■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۸۹ ■ چهارشنبه ■ ۷ دی ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۶ | اذان مغرب ۱۷/۱۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۱ | اذان صبح فردا ۵/۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۳

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
هر کس دو پیراهن دارد، یکی از آن دو را بپوشد و دیگری را به برادرش بدهد.
الأمالی للطوسی: ص۵۳۸

نگاره
نیما شاه‌میری

حال وهوای زمستانی این روزهای پایتخت

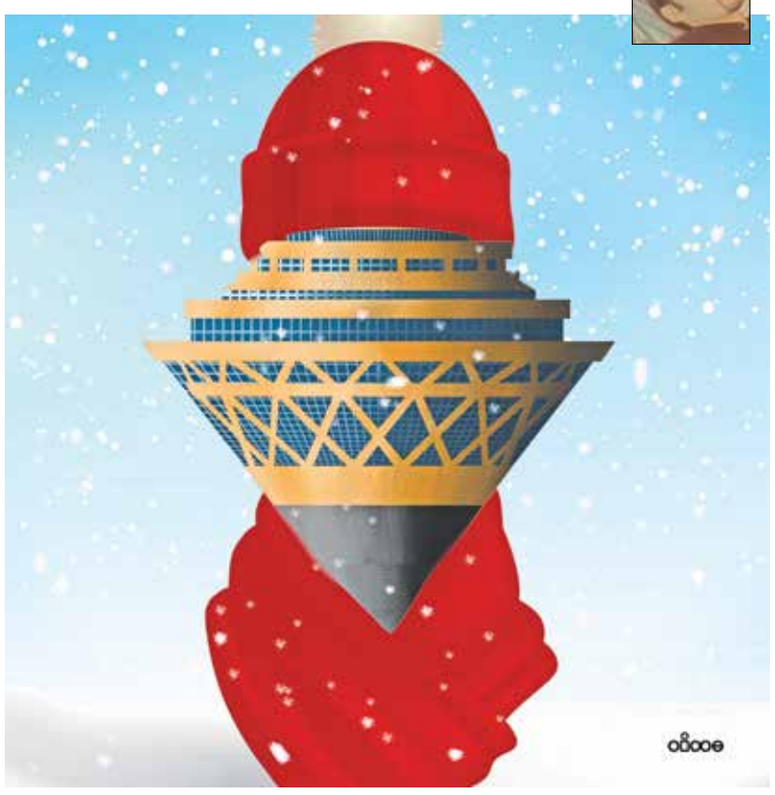

فضای مجازی

نمایشگاه هنرهای تجسمی «سرو ایرانی» ادای احترامی به مقام والای سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، انتصاب دبیر علمی چهلمین جایزه کتاب سال و دبیر علمی سی‌اُمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی از اخبار مهم حوزه فرهنگ و هنر است که برای مخاطبان به اشتراک گذاشته شده است.

■ **سینمای جهان**

اخبار سینمای جهان اشاره دارد به درگذشت دو بازیگر شناخته شده دنیا، تونی بری و استفن گریف.تونی بری بازیگر کهنه‌کار سینما و تلویزیون استرالیا که بسیاری او را با نقش‌آفرینی در سریال «اسکیپی» می‌شناختند، در ۸۱ سالگی از دنیا رفت. او از بازیگران شناخته شده استرالیایی بود که نقشی طولانی در سریال درام «زمان زندگی ما» داشت. «استفن گریف» بازیگر بریتانیایی مجموعه‌های «بیلک ۷» و «تاج» در سن ۷۸ سالگی درگذشت. این هنرپیشه کارنامه پرباری در حوزه تئاتر داشت و علاوه بر این در مجموعه‌های تلویزیونی دیگری از جمله «پزشکان»، «خیابان کورونیشن»، «داستان‌های غیرمنتظره» و «ایست‌اندرز» نیز حضور داشته است.

تونی بری

استفن گریف

ساعت شنی «جادوگر شهر اوز» (فیلمی به کارگردانی ویکتور فلمینگ) در یک حراجی به قیمت ۴۹۵ هزار دلار فروخته شد. حراجی Heritage Auctions که یک خانه حراج چند ملیتی امریکایی در دالاس تگزاس بوده و به سازمان حراج آثار کلکسیونی معروف است، این ساعت شنی نمادین را به عنوان مشهورترین و شناخته‌شده‌ترین ساعت در تاریخ سینما توصیف کرد. جادوگر شهر اوز بر اساس رمانی برای کودکان نوشته ال. فرانک باوم امریکایی به نام جادوگر بی‌نظیر شهر آز ساخته شده است.

■ **هنرهای تجسمی**

نمایشگاه هنرهای تجسمی «سرو ایرانی» ادای احترامی به مقام والای سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و شهدای مقاومت است که از روز سه‌شنبه ششم دی ماه تا سیزدهم دی ماه جاری به‌مدت هشت روز در فرهنگسرای نیاوران برگزار خواهد شد. مراسم افتتاحیه این نمایشگاه روز گذشته و همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا(س) از ساعت ۱۴ برگزار شد. علاقه‌مندان همه‌روزه از ساعت ۱۰ الی ۱۷ می‌توانند از بخش‌های متنوع این نمایشگاه شامل آثار حجم، نقاشی و... با موضوع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و شهدای مقاومت دیدن کنند.

■ **تئاتر و صحنه**

«پرواز با بال‌های سوخته» به نویسندگی مهدی اکبری و کارگردانی محمد ستوده عنوان یکی از تازه‌ترین آثار نمایشی تئاتر شهر است که از روز هفتم تا شانزدهم دی ماه سال جاری در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.در خلاصه داستان نمایش آمده است: «تو محله خواجه خضر، هیچ‌کس بدون اذن ما اجازه نفس کشیدن نداشت تا اینکه سروکله قاسم پیدا شد. اینکه می‌بینی دست‌پخت قاسمه.» این اثر نمایشی که یکی از نمایش‌های برگزیده بیست و هفتمین جشنواره تئاتر استان تهران بوده است، به کارگردانی محمد ستوده طی روزهای یاد شده ساعت ۱۷:۳۰ با مدت زمان ۵۵ دقیقه و قیمت بلیت ۸۰ هزار تومان در تالار قشقایی تئاتر روی صحنه می‌رود.

■ **دنیای ادبیات**

خبر مهم حوزه کتاب و ادبیات، انتصاب دبیران کتاب سال و جایزه جهانی است. محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی احکامی حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا را به‌عنوان دبیر علمی چهلمین جایزه کتاب سال و محمدباقر خرمشاد را به‌عنوان دبیر علمی سی‌اُمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد.

کتاب «جیران در حرمسرای سلطان» به قلم امیر بهروز قاسمی با محوریت واقعیت داستان و زندگی جیران، ناصرالدین شاه، زنان حرمسرا و درباریان دوره قاجار و همچنین حوادث و اتفاقات واقعی پیرامون آن منتشر شد. به گفته وی زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه قاجار در دوره ۵۰ ساله پادشاهی‌اش و حرمسرای او به‌عنوان یکی از مشهورترین حرمسراهای تاریخ که تأثیر بسیار زیادی در سرنوشت این سرزمین داشته، همواره مورد توجه بسیار بوده است. کتاب «جیران در حرمسرای سلطان» در ۲۱۲ صفحه در قطع رقعی توسط انتشارات خیزران منتشر و به بازار عرضه شده است.

شعر فاطمی، سابقه‌ای طولانی دارد

حمیدرضا شکارسری: خود معصومین(ع) طبع شعر داشتند و حوادث مختلف را در فرم شعر ارائه می‌کردند و این زمینه فراهم شد تا بعدها شیعیان که از سیره معصومین(ع) تبعیت می‌کردند، شعر را برای بیان مفاهیم مورد نظرشان استفاده کنند؛ مثلاً ما درباره مراسم عروسی حضرت فاطمه(س) و حضرت علی(ع) شعر داریم. همراهان و حتی رسول‌الله(ص) سطرهایی سروده‌اند یا نصایح حضرت زهرا(س) برای امام حسن(ع) و امام حسین(ع) در قالب شعر بوده است. شیعیان برای بیان حادثه شهادت حضرت زهرا(س) از شعر استفاده می‌کردند و نخستین شعرهایی که در آن به حضرت زهرا(س) اشاره شده، در مجلس یزید بن معاویه بوده است. در واقع یک گونه شعری به حوادث زندگی آن حضرت مانند «ماجرای فدک» و شهادت آن بزرگوار می‌پردازد که یک نگرش «روایی و تاریخی» است. دومین گونه شعر به حوادث با نگرش «عاطفی و احساسی» می‌پردازد. نوع سوم شعرها اساساً مدح شخصیت ایشان است که طبعاً تخیل در آن دخیل است و همه اینها به ما می‌گوید که شعر فاطمی، سابقه‌ای طولانی دارد.

بخشی از صحبت‌های این شاعر در گفت‌وگو با ایسنا

فاطمه بهشت من است، فاطمه کوثر من است، من از فاطمه بوی بهشت می‌شنوم، فاطمه عین بهشت است، فاطمه جواز بهشت است...

کشتی پهلو گرفته/ سیدمهدی شجاعی

فرهنگستان

خط، چهره مکتوب زبان

مرتضی قاسمی
عضو هیات علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

خط چهره مکتوب زبان است و همان‌گونه که زبان از مجموعه اصول و قواعدی به نام «دستور زبان» پیروی می‌کند، خط نیز باید پیرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را «دستور خط» نامیده‌ایم. خط فارسی، به‌موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خط رسمی کشور است و تمام اسناد رسمی و مکاتبات و کتاب‌های درسی باید به این خط نوشته شود. طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابطی معلوم و مدون داشته باشد تا همگان، با رعایت آنها، هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ دارند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، از آغاز کار خود در سال ۱۳۶۹، با تصدیق اهمیت و ضرورت تدوین و تصویب رسم‌الخط واحدی برای زبان فارسی، بر آن شد تا با استفاده از تجربه‌های پیشینیان و نظر صاحبنظران، بویژه استادان و اعضای پیوسته فرهنگستان، به تنظیم قواعد لازم برای این امر همت گمارد. فرهنگستان، درعین اینکه در پی آن بود که تا سرحد امکان خط فارسی را قانونمند و قاعده‌پذیر سازد تا از آشفتگی و هرج‌ومرج جلوگیری شود، اما از توجه به طبیعت خط به‌طور کلی و بویژه طبیعت خط فارسی و نیز ذوق و سلیقه و پسند اهل فن غفلت نکرد و هرجا اِعمال قانون را موجب پدید آمدن فهرست بالابلندی از استثناها دید، از تصویب و تجویز آن خودداری کرد و درواقع در این کار راه میانه را برگزید و کوشید تا در تدوین دستورخط فارسی اعتدال را رعایت کند. چنین بود که پس از جلسات پرشمار و کنکاش‌های فراوان، مجموعه ضوابطی را تحت عنوان «دستور خط فارسی» به تصویب رساند که با تأیید رئیس‌جمهور و ریاست عالیه وقت فرهنگستان رسمیت یافت و ابلاغ شد.

با گذشت زمان و با پیشرفت و گسترش و تنوعی که در دانش و فن ارتباطات و اطلاع‌رسانی در فضای مجازی، بویژه در سال‌های اخیر، پدید آمد از جمله سبب شد تا یکایک افراد امکان اعمال سلیقه در حروفچینی و انتشار مقاله و کتاب را بیش از گذشته داشته باشند. با ظهور چنین تحولی، لزوم رعایت قواعد و ضوابط عام و یکسان بیش از گذشته ضرورت یافت. اکنون، با گذشت دو دهه از تدوین و تصویب اولیه دستورخط فارسی و پدید آمدن امکانات تازه، لزوم بازنگری و تکمیل این دستورخط احساس شد. از جمله مهم‌ترین این الزامات سامان‌دادن به امر فاصله‌گذاری در حروف‌نگاری ترکیب‌ها (یعنی کلمه‌های دارای پیشوند یا پسوند و کلمه‌های مرکب) و قاعده‌مند ساختن جدانویسی یا پیوسته‌نویسی آنها بود که باید به آن توجه می‌شد. به همین منظور، گروه دستور زبان و رسم‌الخط فرهنگستان، با مدیریت دکتر محمد دبیرمقدم، عضو پیوسته و معاون علمی و پژوهشی فرهنگستان و مدیر گروه دستور زبان فارسی و رسم‌الخط، در طی بیش از هفتاد جلسه، دستور خط پیشین را به‌صورت کلی بازنگری و آن را متناسب با مقتضیات امروزی به‌روزرسانی کردند.

عمده مباحثی که در ویراست جدید دستورخط مورد توجه بوده است عبارت‌اند از: تعریف انواع فاصله و فاصله‌گذاری؛ فاصله‌گذاری پیشوندها و پیشوندواره‌ها؛ فاصله‌گذاری در حروف اضافه مرکب و حروف ربط مرکب؛ و بازنگری و اصلاحات کلی در تعریف قواعد و ارائه شواهد. ویراست جدید دستور خط فارسی به‌زودی منتشر می‌شود و در دسترس عموم مردم قرار خواهد گرفت. امید است همه هموطنان، نهادها و دستگاه‌های دولتی و خصوصی و سایر گویشورانی که در گوشه‌وکنار دنیا به فارسی می‌نویسند، با رعایت اصولی که در این کتاب مصوب شده است، در ترویج خط معیار فارسی یاریگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشند.

ضدآفتاب مرغوب

تئاتر خود ما را نشان‌مان می‌دهد

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

هیچ روزی نبوده که به تئاتر فکر نکرده باشم. اصلاً این تئاتر چه چیزی در خودش دارد که آدم را به خودش مشغول می‌کند؟ خیلی وقت‌ها که تئاترها را می‌دیدم می‌گفتم آخر این چه کاری بود که دیدم اما حالا دلم برای همان کارها هم تنگ شده است. اصلاً در زندگی‌ام کسی را سراغ ندارم که حتی اگر شده یک‌بار در زندگی‌اش که معمولاً در مدرسه است تئاتر بازی کرده باشد و بعد هنوز مزه آن زیر دندانش نباشد. امروز هم می‌دانم خیل عظیمی از همکاران من کاری جز تئاتر ندارند. یکسری بلدند درس بدهند و دارند تدریس می‌کنند. یکسری دارند از جیب می‌خورند. یکسری هم به پروژه‌های نیمه‌جان سینمایی لبیک گفته‌اند و یکسری هم در کافه‌های نیمه‌خاموش شهر کار می‌کنند. تئاتر هنری فردی نیست. هنری است که از ابتدای خلق شدنش تا پایانش آدم‌های بسیاری را درگیر خودش می‌کند. حتی همان کسی که نمایشنامه‌ها را می‌بریم تا برای‌مان کپی کند هم دخیل است در کار ما. هنوز هستند آدم‌های دغدغه‌مندی که خودشان را به تک و تا انداخته‌اند تا تئاتر زنده بمانند؛ تئاترهای مجازی و آنلاین. خب این خوب است اما همه تئاتر نیست. وقتی حتی تلویزیون ایران هم نمی‌آید برای حمایت و تئاتر در تلویزیون به فراموشی سپرده شده است چه کار می‌شود کرد. صدا و سیما انگار به یاد نمی‌آورد که در زمان‌هایی نه‌چندان دور نصیری‌ها، زنجان‌پورها، احمد آقالوها، مهدی هاشمی‌ها، داریوش مؤدبیان‌ها و... در تلویزیون تئاتر اجرا می‌کردند. تلویزیون هم انگار توجهی به این نیاز نشان نمی‌دهد. نوشتم نیاز. این سؤال را از خودم می‌پرسم که مگر ما به تئاتر نیاز داریم؟ یادم است یک وقتی ناله می‌کردیم که تئاتر مخاطب ندارد اما تلاش می‌کردیم تئاتر زنده بماند.

این‌طوری بود که برای زنده ماندن تئاتر دست و پا می‌زدیم. مگر ما به تئاتر چه نیازی داریم؟ مگر مردم چه نیازی دارند که به سالن‌های تاریک بروند و خودشان را در موقعیتی خارج از زندگی روزمره قرار بدهند؟ اما همه آنهایی که به تئاتر می‌روند و آنهایی که تئاتر کار می‌کنند می‌دانند تئاتر خود دموکراسی است. می‌دانند راه دموکراسی از همین تئاتر می‌گذرد. از نقد و نقادی و نشان دادن خطاها و حسن‌ها در تئاتر شکل می‌گیرد. شما را ارجاع می‌دهم به نمایشنامه «هملت» نوشته ویلیام شکسپیر. همان‌جایی که هملت جوان تصمیم می‌گیرد برای یافتن اثبات قتل پدرش به تئاتر رو بیاورد. اینجا شکسپیر یک چیزی می‌دانسته که این صحنه را وارد هملت کرده است. او می‌داند که تئاتر حقایق را به ما نشان می‌دهد. او می‌داند که تئاتر خود ما را نشان‌مان می‌دهد و به ما می‌گوید به خودمان فکر کنیم. به جامعه‌مان فکر کنیم. به ما می‌گوید بیایید فکر کردن را عادی روزمره‌مان کنیم. اینها را شکسپیر به ما می‌گوید وقتی سرنوشت شاهزاده دانمارکی را جلوی‌مان مجسم می‌کند.

این را شکسپیر به ما می‌گوید وقتی مکبث جاه‌طلب را روبه‌روی‌مان می‌نشاند و او را تا قله و بعد تا پرتگاه می‌برد. حالا بخواهم همه نمایشنامه‌هایش را زیرورو کنم و بگویم شخصیت‌های دیگرش چه سرنوشت‌هایی را به ما نشان می‌دهند خودش کتابی است که نه من بلد نوشتنش هستم و نه این کلمات محدود می‌تواند حق مطلب را ادا کند، اما نباید دست کشید از تلاش کردن و باید همین‌طور برای تئاتر کاری کرد؛ کاری که بتواند این چراغ بی‌فروغ را دوباره روشن کرد.

نکته

کار فرهنگی در زمانه توپ و تفنگ

حسام آبنوس
روزنامه‌نگار

وقتی صحبت از کار فرهنگی می‌شود ممکن است به تعداد شنونده‌های این عبارت تعابیر و مصادیق مختلفی نقش ببندد. تعابیر و تعاریفی که نه می‌توان گفت غلط است و نه می‌توان گفت همان است و غیر آن نیست! کار فرهنگی و ترویجی کردن قبل از هرچیز روحیه می‌خواهد. هرچند این روزها قبل از اینکه به روحیه و الزامات آن فکر کنیم، به پول و امکانات فکر می‌کنیم. این حرف‌ها وقتی داشتم کتاب «بلندبالا» را می‌خواندم و به صفحات پایانی آن می‌رسیدم، در ذهنم نقش بست.کتابی جمع و جور و کم‌حجم. ملیحه نیک‌بخت در کتاب «بلندبالا» خاطراتی از زبان‌های مختلف را مانند تکه‌های یک پازل کنار هم قرار داده تا تصویری از شهید عباسعلی خمری ده‌سوخته را مقابل چشمان خواننده قرار دهد. شهیدی که در استان سیستان و بلوچستان در زمان دفاع مقدس، مسئولیت‌های مختلف تبلیغی در سپاه استان داشته و ترجیع‌بند خاطراتی که از او از زبان‌های مختلف نقل شده روحیه عجیب و غریب او در کار جهادی تبلیغی بوده است. «برادرها! تبلیغات یعنی اخلاق عملی اسلام. تبلیغات به این نیست که ما فقط کاغذ و برچسب بچسبانیم... نیروی تبلیغات باید در میدان عمل شناخته شود، نه با هیاهوی تبلیغاتی.»

این جملات را بگذارید کنار فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی این روزها که بسیاری به اسم تبلیغ فرهنگ انقلاب و اسلام، از هیچ بی‌اخلاقی و کم‌کاری دریغ نمی‌کنند.شاید باید کتاب «بلندبالا» را بد نباشد به‌عنوان یک دستنامه کار فرهنگی معرفی کرد تا ببینیم در ابتدای پیروزی انقلاب، نیروهای انقلابی چگونه برای پیشبرد آرمان انقلاب کار فرهنگی می‌کردند. توجه شهید خمری به امکانات و استفاده درست از آنها و اینکه باید در برابر آن پاسخگو بود نشان می‌دهد که منش او نه شعار بلکه سلوک و سیره بوده است. روشی که در کنار جدیت همراه با رأفت و عطوفت است.«چند قوطی رنگ و قلم‌مو سهم من را می‌دهد. دیواری را برایم مشخص می‌کند و می‌رود. خط کشی‌های روی دیوار را انجام می‌دهم و جمله‌هایی که برایم مشخص کرده است می‌نویسم. زیر سایه دیوار می‌نشینم تا بیاید. از دور که می‌آید، از لبخند روی لبش پیداست کارم را پسندیده و خداقوت می‌دهد. می‌رود سراغ رنگ‌ها. داد می‌زند و می‌نشیند روی زمین. دلم هری می‌ریزد. با عصبانیت می‌گوید: «چرا گذاشته‌ای رنگ‌ها خشک شوند؟ این بیت‌المال است. حالا باید دوباره قلم‌مو و رنگ بخریم.» سرم را می‌اندازم پایین. چند دقیقه بعد می‌آید، دستش را می‌گذارد روی شانه‌ام و معذرت‌خواهی می‌کند و پیشانی‌ام را می‌بوسد.»خاطراتی از عباسعلی خمری ده‌سوخته، در کتاب «بلندبالا» تصویری برای این روزهاست. تصویری که با کمک آن می‌توان کار فرهنگی کردن را در شرایطی که خاکریزهای فرهنگی کشور زیر شدیدترین حملات فرهنگ‌های مختلف است، آموخت. می‌توان این کتاب را با خیال راحت به هر کسی که دلش می‌خواهد اثر فرهنگی داشته باشد معرفی کرد و بابت محتوای درست و دقیق آن مطمئن بود.

عکس نوشت

به مناسبت استقبال از پهلوانان گمنام این مرز و بوم، دیوارنگاره جدید میدان ولیعصر(عج) با شعار «یا فاطمه(س) تو مادر رزمندگانی» که توسط خانه طراحان انقلاب اسلامی اجرا شده، نصب و رونمایی شد. / مهر

صفای کوچه نقاش‌ها

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

قرارمان این نبود! بنا بود خبرم کند تا با هم به دیدن خانواده شهید حسن بهمنی برویم و گزارشی از فعالیت‌ها و نقش‌آفرینی‌های این شهید والامقام برای صفحه پایداری تهیه کنم، اما به یکباره خبر آمد که به سفری بی‌بازگشت رفته است. با سید ابوالفضل از «کوچه نقاش‌ها» آشنا شدم. مصداق صفا و لوطی‌منشی بچه‌های جنوب شهر. تا قبل از کرونا چند سال پیاپی شب‌های ۲۱ ماه رمضان میهمانش در خانه محقری در کوچه نقاش‌های نزدیک انبار گندم بودم. شب شهادت حضرت علی(ع) دسته راه می‌انداخت، تا انتهای کوچه را می‌رفتند و برمی‌گشتند. خودش نوحه می‌خواند و دم می‌گرفت، برای اینکه صدایش به همه برسد چهارپایه‌ای زیر پایش می‌گذاشت و... دست آخر هم توی همان کوچه سفره بلندی انداخته می‌شد و بساط افطاری ساده‌ای پهن. هرکس مایل بود می‌توانست برسر سفره بیاید و میهمان سفره احسان امام شهید(ع) باشد. آن شب‌ها، شب‌های عیش کارتن‌خواب‌ها و بی‌جا و مسکن‌هایی بود که حتی با ظاهری ژولیده می‌توانستند کنار این سفره بنشینند و بی‌هیچ حقارتی با شکمی سیر بلند شوند. خانه‌ای که سید از آن با عنوان حسینیه یاد می‌کرد در طول سال در اختیار افراد بی‌بضاعت بود و تنها گوشه‌ای از آن به کبوترهای سید اختصاص داشت که به گمانم چهل، پنجاه تایی می‌شدند.

سید از کشفیات شهید چمران بود. به دلیل داشتن موتور در کمیته استقبال از امام خمینی(ره) مأموریت می‌یابد تا مردی که تازه از لبنان آمده و کلاه پوستی بر سر داشته را برای دیدن پدرش به محله عودلاجان ببرد. همین باعث آشنایی و ارادت سید به شهید چمران می‌شود. در رفت‌وآمدها همصحبت می‌شوند و همین موجب ایجاد علقه و رفاقت می‌شود. وقتی گنبد ناآرام می‌شود، شهید چمران را در سفر به منطقه همراهی می‌کند. با شنیدن سرایت ناآرامی‌ها به لاهیجان همراه هم به این شهر و از آنجا به مهاباد و سنندج می‌روند. شهید چمران به دلیل تجربه جنگ‌های چریکی از سوی مهندس بازرگان -رئیس دولت موقت- به معاونت انقلاب درامور دفاعی منصوب می‌شود و سید ابوالفضل نیز به عنوان همراه شهید چمران به نخست‌وزیری راه می‌یابد.

با آغاز جنگ، گروهی از سازمان امل لبنان به سرپرستی فردی به نام «علی عباس» خودشان را به شهید چمران می‌رسانند و در مناطق جنوب به مقابله با متجاوزان بعثی می‌پردازند. این گروه ۲۰ نفره به‌رغم ورزیدگی و مهارت در به‌کارگیری سلاح آرپی‌جی برای به آتش کشیدن تانک‌های دشمن به دلیل اقلیم منطقه که فاقد پستی و بلندی و هموار بودن زمین بود، نفراتشان در معرض دید و آسیب قرار داشتند. برای جبران این نقطه‌ضعف نیاز به موتورسوارهای نترس و مسلط بود تا رزمندگان لبنانی را برای شکار تانک جلو ببرند. شهید چمران موضوع را با سید درمیان می‌گذارد و او به تهران آمده چهل نفر موتورسوار که بیشترشان خالکوبی داشته و داش‌مشدی بودند را با خود به منطقه می‌برد. سید در این رابطه می‌گفت: «قبل از اعزام در محل نخست‌وزیری یکی از مسئولان به من اعتراض کرد و گفت اینها را از کجا پیدا کردی؟ همه لات و خالکوبی کرده‌اند! من نمی‌گذارم اینها را به منطقه ببری، من زنگ زدم به دکتر چمران و ایشان را در جریان گذاشتم. دکتر گفت تو کاری نداشته باش. خودش هماهنگ کرد و ما اینها را به منطقه بردیم. تعدادی از اینها به دلیل اینکه با فرهنگ نماز آشنا نبودند، هنگام نماز جماعت با کفش به نماز می‌ایستادند، اما همین افراد در شکار تانک‌های دشمن بسیار مؤثر واقع شدند و ۱۷ نفر از همین‌ها به شهادت رسیدند. برخورد شهید چمران با تک‌تک آنها به‌گونه‌ای بود که همگی تحت تأثیر فضای حاکم بر جبهه‌ها جذب فرهنگ ایثار و شهادت شدند. خود این عده با آموزش لبنانی‌ها آرپی‌جی‌زن‌های قهاری شدند و بعدها در ترکیب گردان شهدا منشأ آثار بسیاری شدند. اینها همه به دلیل برخورد مناسب شهید چمران با آنان بود، چراکه چمران نه به آنان گفت چکاره‌اید! کی هستید، کی نیستید! از کجا می‌آیید! چه گذشته‌ای دارید! جایگاهتان چیست و چه مسئولیتی دارید! شهید چمران این برایش مهم بود که این عده چه کارایی‌ای در روزهای غربت جنگ دارند.

سید ابوالفضل کاظمی یکی از هزاران جوان مستعدی بود که با نگرش رسولانه به ابعاد وجودی و ارج‌گذاری به کرامت‌های انسانی آنان و در سایه رفتار توأم با اخلاق وتربیت اسلامی توانست تا مرحله الگو بودن رشد کند، چراکه تنها به قاب چهره او نگریسته نشد، بلکه در پس چهره‌اش مخلوقی در نظر آمد که با نفخه الهی سرشار از شدن بود و فاصله آن تا تحقق کرامت‌های انسانی، فرصت و شناخت لازم بود و او از این فرصت به خوبی استفاده کرد.